

۴

کلوز آپ

ملون رام

جان ہرسرو و مارتین شینگلر

ترجمہی حسین کرناڈی طاہر (شاہین)



فهرست

سپاس‌گزاری / ۶

مقدمه / ۹

ژانر / ۱۳

سبک / ۶۱

حساسیت / ۱۱۱

نتیجه: همیشه با اشک پایان می‌گیرد / ۱۵۴

فیلم‌شناسی / ۱۵۸

کتاب‌شناسی / ۱۷۱

ژانر

با این که ملودرام از ابتدا یکی از خصیصه‌های مهم سینما به‌شمار می‌رفته، تنها از اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ به این طرف است که تحقیقات سینمایی به آن توجه جدی مبذول داشته است. در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ ملودرام از جایگاه جدیدی در میان نظریه‌پردازان، منتقدان و محققان سینمایی برخوردار شد که بسیاری از آنان همواره در تلاش بودند تا تعریفی از درون‌مایه‌ی اصلی، خصیصه‌های این سبک، تاریخ تحول آن در سینما، تأثیرات و ایدئولوژی‌اش ارائه دهند. در این روند نه تنها ملودرام به‌عنوان یک ژانر تعریف و نشان‌گذاری شد، بلکه با ترسیم دوباره‌ی مرزبندی‌هایش تصفیه و تصحیح شد. در مطالعات سینمایی معنی واژه‌ی ملودرام، مشخصات آن و این که این واژه را می‌توان بر چه نوع فیلم‌هایی اطلاق کرد با عقاید گوناگونی روبه‌رو شده است.

تشخیص ملودرام به‌عنوان ژانر سینمایی در جریان یک سلسله رویکردهای روش‌شناختی و نظری در بحث‌های مربوط به مطالعات سینمایی به‌خصوص در زمینه‌های نومارکسیسم، روان‌کاوی و فمینیسم ظهور پیدا کرد. به بیان دیگر، ملودرام در مقطع زمانی خاصی که مسائلی همچون ایدئولوژی، روان‌کاوی و جنسیت‌محوری داغ‌ترین بحث‌های مطالعات سینمایی را شکل می‌دادند، تبدیل به نقطه‌ی تمرکز فضای دانشگاهی شد و فرصتی را فراهم ساخت تا تمام این مسائل در یک فرم واحد سینمایی قابل پیگیری باشد.

هرچند آن‌چه تبدیل به «ملودرام» در مطالعات سینمایی شد هرگز یک فرم واحد سینمایی نبوده و در واقع از پیوند مجموعه‌ای از زیرژانرها و فیلم‌های دوره‌ای^۱ شکل گرفت. فیلم‌هایی که در طبقه‌بندی ملودرام قرار گرفتند از گروه‌های مختلف سینمایی همچون رمانتیک، تاریخی، تریلرهای روان‌شناسانه، تریلرهای وهمی،^۲ فیلم‌های مربوط به غم و رنج‌های زنان، درام‌های محلی، فیلم‌های مربوط به بزهکاری جوانان، تریلرهای جنایی و غیره آمدند. در حالی که واژه‌ی ملودرام تبدیل به چتری مطمئن برای پوشش تمام این نوع فیلم‌ها شد، در عین حال برای نامیدن یکسری از زیرژانرهای خاص نیز مورد استفاده قرار گرفت؛ «ملودرام خانوادگی»^۳ و «ملودرام مادرانه»^۴. همچنین برای برخی از محققان واژه‌ی ملودرام مصادف شد با فیلم زنانه که، همان‌طور که انتظارش می‌رفت، منجر به سردرگمی و همین‌طور مباحثاتی سخت در بین فیلم‌پژوهان شد. در مورد بررسی ایده‌ی ملودرام به‌عنوان یک ژانر سینمایی به طرح بعضی از ابهامات و نظرات ضدونقیضی که بین فیلم‌پژوهان رخ داده، می‌پردازیم و به روش‌های بسیار متفاوتی که نظریه‌پردازان مختلف برای فهم این واژه بهره برده‌اند، اشاره می‌کنیم.

تعیین ژانر

ژانر نقش بسیار مهمی در تاریخ توسعه‌ی سینمای جریان اصلی بازی کرده و همچنین مفهوم بسیار مهمی را در مطالعات سینمایی دربر می‌گیرد. ژانر به‌عنوان مفهوم به یک فیلم این اجازه را می‌دهد تا به گروه بزرگ‌تری از فیلم‌ها که در مضمون، سبک، گرایش‌ها و ارزش‌ها با یکدیگر مشترکند، تعلق گیرد. همچنین روشی در مطالعات سینمایی و تاریخ

1. Film cycles
2. Gothic thrillers
3. Family melodrama
4. Maternal melodrama

سینماست که بر نقش تماشاگر در خلق فیلم‌های مرتبط با هم تأکید دارد. رشد و توسعه‌ی یک ژانر و یا فیلم‌های دوره‌ای مستلزم واکنش مثبت و ثابت تماشاگران به سبک، محتوا، ستاره‌های مرتبط با آن، کارگردان، پیرنگ داستان، آکسسوار و صحنه‌آرایی آن دارد. ژانر پژوهی تمایل به به رسمیت شناختن نقش مهم تماشاگران در صنعت سینمای تجاری دارد. چنین پژوهش‌هایی بر ما معلوم می‌کنند که چگونه فیلمی که واکنش موافق تماشاگران را دریافت کرده به تولید مجموعه‌ای از بدل‌ها و یا نسخه‌های متعددی از یک درون‌مایه می‌انجامد. سپس این مجموعه فیلم‌ها یا در دوره‌ی زمانی خاصی (مثلاً چندین سال) دیده می‌شوند که تحت عنوان فیلم‌های دوره‌ای مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، مانند فیلم‌های ترسناک دهه‌ی ۱۹۳۰ کمپانی یونیورسال؛ و یا در ابعاد مختلف بدنه‌ی سینما برای مدتی طولانی‌تر (مثلاً چندین دهه) دیده می‌شوند و تغییرات قابل توجه‌ای در سبک و یا محتوای آن‌ها به وجود می‌آید، مانند فیلم‌های وسترن.

البته تنها تماشاگران و کمپانی‌های تولید فیلم نیستند که ژانرها را خلق می‌کنند، منتقدان و فیلم‌پژوهان نقش مهمی در تشخیص، و گاهی، در تعیین گروه‌بندی فیلم‌ها و قراردادن آن‌ها در یک طبقه‌بندی ژانریک خاص ایفا می‌کنند. در این رابطه مشهورترین مورد «فیلم نوآر» است، ژانری که امروزه مطالعات سینمایی و صنعت سینما، هر دو آن را به رسمیت شناخته‌اند. این واژه در دهه‌ی ۱۹۴۰ که اغلب فیلم‌های ساخته و نمایش داده‌شده‌ی آن دوره را هم‌اکنون با برچسب «فیلم نوآر» می‌شناسیم، از معنی چندانی برخوردار نبود. این واژه را اولین بار نینو فرانک منتقد فیلم فرانسوی در سال ۱۹۴۶ برای توصیف شماری از فیلم‌های ساخت هالیوود در دوران جنگ جهانی دوم به‌کار برد، فیلم‌هایی همچون شاهین مالت (جان هیوستن، ۱۹۴۱)، بکش عزیزم (ادوارد دیمیتریک، ۱۹۴۴)، غرامت مضاعف (بیلی وایلدنر، ۱۹۴۴)، لورا (اتو پرمینجر، ۱۹۴۴) و زنی در پنجره (فريتس لانگ، ۱۹۴۴). این واژه متعاقباً به کرات مورد استفاده‌ی منتقدان مجله‌ی فیلم فرانسوی کایه دو سینما در دهه‌ی ۱۹۵۰ قرار گرفت. در پایان دهه‌ی ۱۹۶۰ واژه‌ی